

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۳۰

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۱۴ خرداد ۱۳۹۳، ۴ ژوئن ۲۰۱۴

سردبیر عبدالگیریان

## تغییر سیاست پ.ک.ک و پژاک موفقیت یا شکست (۳)

## باجگیری در مدارس بوکان مردم پول پرداخت نکنید! خواهان تحصیل رایگان فرزندانمان باشید!

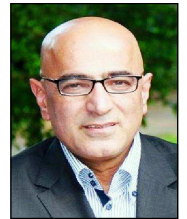


محمد آسنگران

اوندر که عضو رهبری ها. د. پ. و یکی از جریانات نزدیک به پ.ک.ک است، بعد از آخرین ملاقات خود با اوچلان در زندان امرالی، اظهارات اوچلان در این ملاقات را چنین بیان کرد: تاریخ از دهه ۹۰ به بعد توجه من را بخود جلب کرد و من تحلیلاتی عظیم ارائه دادم و این روند پیشبرد یافت.

در بخشهای یک و دو این نوشته به روند تغییرات سیاسی و ایدئولوژیک پ.ک.ک و پژاک پرداختیم. در آخرین بخش این نوشته به نتایج عملی تا کنونی تغییر سیاست و جهت اوچلان میپردازیم که تفکر حاکم بر پ.ک.ک و پژاک و جریانات نزدیک به پ.ک.ک را شکل داده است.

صفحه ۳



نسان نودینیان

خانواده دانش‌آموزان از آنها خواسته که برای تامین امکانات موردنیاز دبیرستان باید هر دانش‌آموز ۵۰ هزار تومان وجه نقد به دبیرستان پرداخت نماید. در این نامه قید گردیده که نباید وجه مورد نظر از ۵۰ هزار تومان کمتر باشد، اما به صورت شفاهی به دانش‌آموزان گفته شده، مبلغ باید بیش از یکصد هزار تومان باشد.

مدیر دبیرستان "بنت الهدی" درشهر بوکان با ارسال نامه برای

صفحه ۲

## در حاشیه کنسرت اخیر شهرام ناظری

صفحه ۴

عبدالکلبریان

## به کمک مالی شما نیاز داریم! کمپین دو ماهه برای تامین ۱۰۰ هزار دلار

صفحه ۲

## نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان / نسان نودینیان

مالی زیادی شده است را منعکس کرده ایم. و در عرصه دستگیری و زندان ۱. آزادی دو زندانی سیاسی هادی و امید تام اهل شهر مریوان، ۲- دستگیری نیروهای وزارت اطلاعات در شهر مهاباد دو جوان به نامهای آرام محمدخان فرزند ۲۴ ساله محمدخان و سیدعلی پورمصطفی اقدام ۲۵ ساله، و گزارش باغ وحش ارومیه به لحاظ شرایط نگهداری حیوانات در وضعیت اسفناکی بس می برد و تنها نام يك باغ وحش را يدك می‌کشد، را آورده ایم.

صفحه ۵

در شهرهای کردستان تحت عنوان گرچه مسئولان مرکز مین یابی و وزارت دفاع تاکید می کنند که استان کردستان از وجود مین پاک شده است، اما بیست و ششم مهر پارسال بود که هفت کودک در مریوان بر اثر انفجار مین بشدت آسیب دیدند. حالا هشت ماه از آن روز می گذرد اما قربانیان می گویند وضعیت مناسبی ندارند، ۷. گزارش طوفان شدیدی که به تهران آمد موجب کشته و زخمی شدن تعدادی از شهروندان تهرانی، نگرانی مردم و خسارات

در نگاه هفته در عرصه کارگری اخبار پایان اعتصاب کارگران سد بنیر مریوان، آزادی عمر سلیمانی و روش جدید پایین آوردن دستمزد در شرکت سقز سازی ون کردستان را منعکس کرده ایم. و در عرصه اجتماعی اخبار ۱. خشونت هایی که زنان را در محیط کار تهدید میکنند ۲. جانباختن يك کولبر در سلماس، ۳. گشتن احمد میراوبی در بانه، ۴. خودکشی يك دختر جوان در سقز ۵. خودکشی هلاله محمدی در سردشت ۶. گزارشی از تلفات مین



## اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

تهیه و تنظیم: یادی محمودی  
[yadi.mahmodi@gmail.com](mailto:yadi.mahmodi@gmail.com)



فراوان دنیا دختر ۱۵ ساله اهل نزدیکیهای شهر دهوک توسط همسر ۴۵ ساله اش و قتل وحشیانه او، در روز ۲۴ ماه مه، اعتراضات وسیعی

صفحه ۵

## اعتراض به کشتن دنیا عروسی ۱۵ ساله شهر دهوک گسترش می یابد!

به دنبال شکنجه و آذیت و آزار

مصاحبه پیشرو علی پوریا احمد شیروان معروف به (ناه د)

صفحه ۷

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

### باجگیری در مدارس ...

هرساله با آغاز سال تحصیلی و به هنگام ثبت نام دانش آموزان و تحویل کارنامه تحصیلی آنان، از دانش آموزان مبلغی پول مطالبه و دریافت می شود که اینگونه اقدامات در شهرهای کردستان ایران به یک آیدمی مبدل گشته است. همچنین مسئولان مدارس برای دریافت وجه نقد از دانش آموزان، دانش آموزان را تهدید به کم کردن نمرات امتحان و اخراج از مدرسه و محرومیت از تحصیل می کنند. در مدارس بوکان دانش آموزان فاقد امکانات آموزشی، بهداشتی و تفریحی هستند.

درخواست پنجاه هزار تومان پول نقد و بیشتر باجگیری و گردنه بگیری توسط مقامات آموزش و پرورش شهر بوکان از دانش آموزان این شهر است. مدیر دبیرستان "بنت الهدی" همچنین اعلام کرده در صورت عدم پرداخت پول های

درخواستی ثبت نام، دانش آموزان با مشکل جدی مواجه خواهند شد. تهدید و گردنه بگیری در نظام جمهوری اسلامی تازه نیست. این نظام فاشیستی از هر فرصتی برای باجگیری و مفت خوری و خالی کردن جیب مردم آماده است. در مدارس در دانشگاه ها در مرزها در شهرداریها و آنچه به رابطه پول و مردم مربوط است مزدوران حریص در کمین شکار جیبهای مردم هستند. جمهوری اسلامی نظام دزدی و چپاول و دارایی و زندگی

مردم است.

درخواست پنجاه هزار تومان از دانش آموزان بوکان دزدی آشکار است. خانواده دانش آموزان و دانش آموزان نباید به این خواسته مدیر مدرسه تن دهند. دوره سکوت و اعتراض خاموش سپری شده. مردم میتوانند در مقابل باجگیری و مفت خوری نهاد و مقامات دزد جمهوری اسلامی در شهرهای کردستان اعتراض علنی و پرشور و متحد را فراخوان دهند. سطح نارضایتی توده ای در شهرهای ایران بالا است. با

اعتراض و با بلند کردن پرچم نارضایتی و تجمع اعتراضی مردم شهر بوکان قادر به عقب راندن مطالبه آموزش و پرورش هستند.

مردم! دانش آموزان مدارس شهر بوکان! به خواست مدیر مدرسه "بنت الهدی" تن ندهید. تجمع های اعتراضی را برپا کنید. خواهان تحصیل رایگان، تامین امکانات تفریحی، ورزشی، کتابخانه، امکانات آموزشی مدرن و امروزی شوید!

### به کمک مالی شما نیاز داریم ...

به منظور تامین هزینه های کانال جدید و گسترش فعالیت های حزب کمونیست کارگری کمپینی دو ماهه از اول ماه جون تا آخر جولای اعلام میکنیم و از همه دوستان، حزب و کانال جدید و کلیه آزادیخواهان و مخالفان جمهوری اسلامی تقاضا میکنیم در این کمپین ما را یاری بدهند.

نقش حزب کمونیست کارگری و کانال جدید برای میلیون ها نفر از مردم شناخته شده است. در عرصه های مختلف مبارزه و هرجا ظلم و سرکوبی هست حزب کمونیست کارگری هم فعالانه حضور دارد و در صف اول مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه بیحقوقی ها و محرومیت های مردم ایستاده است.

مردم ایران به حزب کمونیست کارگری نیاز مبرم دارند تا صفوف خود را متحدتر و مستحکم تر کنند و به کانال جدید نیاز دارند تا صدای اعتراض خود را هر چه رساتر منعکس کنند.

کارگران و زنان و جوانان، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان، محکومین به اعدام و خانواده هایشان و در یک کلام بیش از ۷۰ میلیون مردم شریف و زحمتکش به این حزب و کانال نیاز دارند تا روشن تر و امیدوارتر مبارزه برای احقاق حقوق خود را گسترش بدهند. ما مصممیم که فعالیت های خود را گسترش دهیم و به این منظور به کمک مالی شما نیازمندیم. از شما

دعوت میکنیم که فعالانه در این کمپین شرکت کنید.

هر یک دلار کمک مالی شما صرف مبارزه برای نجات انسانها، مبارزه برای کنار زدن بختک جمهوری اسلامی و صرف تلاش برای سازمان یافتن مردم برای رهائی از این جهنم میشود.

بعنوان فعال این کمپین قدم به میدان بگذارید و از همه دوستان و آشنایان و از همه انسانهای شریف بخواهید که به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک مالی کنند. امیدواریم با مشارکت فعال شما حداقل صد هزار دلار در دو ماه آینده جمع آوری کنیم و فعالیت هایمان را گسترش دهیم.

کمک های خود را میتوانید از طریق از طریق حسابهای بانکی زیر پرداخت کنید. اسامی و میزان کمک ها بطور علنی اعلام خواهد گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۹ مه ۲۰۱۴،  
۸ خرداد ۱۳۹۳

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden  
Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900 Dixie Rd, Mississauga  
L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America  
277 G street Blaine, Wa 98230  
phone# [1-360-332-5711](tel:1-360-332-5711)  
Masoud Azarnoush  
Account number : 41581083  
checking (99)  
wire: ABA routing #026009593  
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۴۷۷۹۸۱  
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:  
سیامک بهاری: 0046739868051  
[markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

## از صفحه ۱ تغییر سیاست پ.ک.ک ...

در جریان مرحله گذشته مسایلی با ارزش و حقایقی مهم آشکار شدند. اگر چه دیر هم بوده، اما رسیدن آنها به نقطه کنونی امیدوار کننده است."

به گفته خود او جلان از دهه ۹۰ به بعد، تاریخ توجه او را به خود جلب کرده است. این گفته را میتوان از دو منظر مورد بحث و بررسی قرار داد. یکی اینکه تا این زمان آقای او جلان توجهی به تاریخ و روندهای سیاسی پایدار جامعه نداشته و همچنانکه خودش در جای دیگری هم تاکید کرده است سیاستی داشته است که باید تغییر میکرد. اشاره او جلان به تغییراتی است که تفکر و سیاست او از یک ناسیونالیست ملیتات به یک معامله گر سیاسی از سر گذارنده است. البته ناسیونالیسم ملیتاتان قدمتی بیشتر از او جلان داشت و او جلان فقط یکی از فعالین آن با شعار استقلال چهار بخش کردستان بود. اصطلاحاتی از نوع کردستان شرقی، غربی، جنوبی و شمالی از این تفکر نشات میگیرد که کردستان را یک کشور فرض میکنند و آنها را این چنین اسم گذاری کرده است. معلوم است با توجه به ادعای کنونی او جلان که گویا توجهش به تاریخ جلب شده است و این رویاها را دیگر کمتر تکرار میکند و یا اصلا تکرار نمیکند، اکنون تماما راه حل او برای پ.ک.ک و جریانات وابسته این است که با دولتهای سرکوبگر مردم کردستان وارد دیالوگ و بده بستان شوند. با این حال اما نزدیکان او و احزاب ناسیونالیست نزدیک به پ.ک.ک هنوز تماما از این رویا و توهم بیرون نیامده اند.

دوم اینکه او جلان بعد از دستگیری و زندانی شدنش در زندان امرالی که بلا فاصله اعلام کرد مادرش ترك بوده است و به تمامیت ارضی ترکیه احترام میگذازد، در چند سال بعد اعلام کرد اسلام رهایی بخش میتواند مبنای مشترک توافقات پ.ک.ک و اردوغان باشد. اکنون هم قدم به قدم با طرح و سیاستهای میت ترکیه کنار آمده و در توافق با آن سیاستها دارد با ادبیات ناسیونالیستی خود احزاب تحت نفوذش را به این جهت سوق میدهد. در همین راستا خطاب به دولت ترکیه هم چنین گفته است:

"هیأت دولت به اشتباهات بزرگ دچار شد. (منظورش هییت مذاکره کننده میت است که تا کنون فقط در زندان با او جلان مذاکره کرده و پ.ک.ک را به رسمیت نشناخته است) یکی از آن اشتباهات هم این بود که مدام چهره واقعی خود را پشت پرده انتخابات قایم می کرد، لذا موضوعی مانع ساز دربر گرفت و از جسارت سیاسی دور ماند. من مدام گفته ام که روند صلح اینگونه ادامه نمی یابد، بلکه برعکس با ایجاد زمینه های قانونی و سیاسی، آشتی و گفتگو برای آن را می توان تضمین قانونی کرد. گفته بودم که در غیر این صورت مرحله های خطرناک، بی ارزش و اخلاک گرا به میان خواهد آمد. در زمان خود به هشدارهای من توجه نکردند. آیا واقعا به نظر آنها سیاست پردازی ما محدود است؟ البته در بسیاری زمینه ها من جدا هشدار دادم."

دیدگاه های او جلان برای

انتخابات ریاست جمهوری هم چنین است: "باید انتخابات ریاست جمهوری ترکیه در کنار سیستم آن مورد تحلیل قرار گیرد. کار ما گفتگو بر سر انتخاب اشخاص نیست، بلکه سیستم آن است. سیستم این است که آیا «اشخاص برای اجتماع پروژه آشتی و دموکراسی دارند». نیرویی که ما سوسیالیست ها، کردها، زحمتکشان و مظلومان به کاندید ریاست جمهوری بدهیم باید طوری باشد که آن کاندید برنامه هایی سیاسی داشته باشد. به این خاطر، این مسئله مهم است. ما سه معیار داریم: انتگراسیون (ادغام)، اعتقاد به سیاست دموکراتیک و پیشبرد صلح. ... "هیچ یک از کسانی که بر سر مسئله تجزیه کشور سیاست می کنند، بومی نیستند. آنها همه با جاسوسان عوامل جهانی همکاری می کنند."

این گفته های بالا را او جلان در اوخزماه می ۲۰۱۴ در ملاقات با هیئت ملاقات کننده حزب "ها. د. پ." که حزب نزدیک به پ.ک.ک است گفته است. همین حد از گفته های او جلان نشان میدهد که با عجز و لابه می خواهد اردوغان را قانع کند که پ.ک.ک نه تنها سیاستهای گذشته را کنار گذاشته بلکه با کمترین و کلی ترین و در عین حال بی معنی ترین خواست، حاضر است با دولت اسلامی ترکیه کنار بیاید. کسانی که با این پروژه کنار نیایند جاسوس و عوامل خارجی هستند. یا اخلاک گرانی هستند که میخواهند آشوب به پا کنند. البته اینجا خطاب او جلان گرایشاتی از درون پ.ک.ک هستند که این سیاست را سازشکارانه میدانند.

شرط او جلان برای حمایت از

کاندید مورد نظرشان برای ریاست جمهوری ترکیه "انتگراسیون (ادغام)، اعتقاد به سیاست دموکراتیک و پیشبرد صلح" است. هر سه این شروط چنان بی معنی و کلی است که نه تنها دولت اردوغان که هر دولت دیکتاتور دیگری هم میتواند بگوید ما همین سیاستها را داشتیم لازم نیست کسی مثل او جلان به عنوان شرط آنها را اعلام کند. او جلان با بذل و بخشش به دولت اسلامی ترکیه گفته است "نیرویی که "ما .... به کاندید ریاست جمهوری بدهیم باید طوری باشد که آن کاندید برنامه هایی سیاسی داشته باشد" بنابراین پ.ک.ک و او جلان قرار است به ریاست جمهوری که برنامه سیاسی داشته باشد و این شروط او جلان را در نظر بگیرد نیرو بدهد. این سیاست علنا به این معنی است که پ.ک.ک میخواهد به اردوغان رای بدهد. و به اعتراضات برحق و میلیونی مردم ترکیه پشت کند. این ادامه سیاستی است که پ.ک.ک در دو سال گذشته برای نزدیک شدن به حزب آ.ک. پ. در پیش گرفته است.

در این مباحث همچنانکه میبینید این شروط یک کلمه از رفع ستم ملی، برابری حقوق شهروندان، آزادی زندانیان سیاسی و رفاه و آزادی مردم در آن نیست. بنابراین سیاست پ.ک.ک و پژاک تماما در این راستا است که دولتهای فعلی را تقویت کنند اما به شرطی که آنها را طرف معامله خود بدانند. پژاک در ایران با سیستم جمهوری اسلامی مشکلی ندارد. با قوانین اسلامی مشکلی ندارد. با فقر و سرکوب و استبداد مذهبی مشکلی ندارد آنچه به عنوان مشکل اعلام کرده است این است که جمهوری اسلامی آتش بس

را رعایت نکرده و پژاک را جدی نگرفته است و پیغام پژاک برای مذاکره را بی جواب گذاشته است. این عاقبت بخش قابل توجهی از احزاب ناسیونالیست کرد است.

این سیاستها به دلیل یک تازی پ.ک.ک در کردستان ترکیه و سرکوب دیگر احزاب چپ و مدرن در ترکیه ممکن است محلی از اعراب داشته باشد، اما در کردستان ایران کسی برای این سیاست تره هم خورد نمیکند.

نه تنها مردم حتی جمهوری اسلامی هم این سیاست پژاک را جدی نگرفته زیرا همه میدانند پژاک در کردستان ایران هیچ آینده ای ندارد و تاریخا هم هیچ جایگاهی نداشته است. تنها نقش پژاک این بود که یک دوره برای معامله با آمریکا دست به جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی زد. امروز آن سیاست به قول او جلان اخلاک گری و کار جاسوسان جهانی است و باید برود قربان صدقه مقامات جمهوری اسلامی بشود بلکه طرف حساب قلمداد گردد. این توهم ریشه پژاک در کردستان ایران را میخسکاند. پ.ک.ک هم دو راه در پیش ندارد. یا خود را منحل میکند و در احزاب پارلمانی کنونی مثل ها. د. پ. و ب. د. پ. ادغام میشود یا با شکست نظامی قطعی مواجه میشود و سرنوشت دیگر جریانات عشیره ای کردستان ترکیه را پیدا میکند.

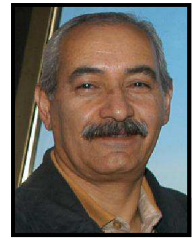
این انتخابی است که سیاستهای او جلان بار آورده است. راه گریزی بجز این دو شق در مقابل پ.ک.ک و او جلان باز نیست.

### حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستهای پایمال شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی شان سرکوب شده است! این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و بیکاری است که بازار سرمایه آنها را وا زده است و اسیر بیکاری و فقر و محرومیت شده اند. صدای کودکان محروم شده از شادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به تن فروشی ناچار میکنند، صدای جوانانی که در او ان زندگی از شادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!

به حزب کمونیست کارگری ببینید. دست در دست هم جامعه ای بسازیم که در آن اعدام و زندان معنایی نخواهد داشت. هیچ کس از تحصیل و مسکن و دارو و درمان محروم نخواهد بود. آزادی بی قید و شرط است و همه مردم از طریق شوراهایشان قانون گزار و تصمیم گیرنده و اختیار دار جامعه خواهند بود. جامعه سوسیالیستی! که به تاریخ توحش و بهره کشی و جنایت و سرکوب اقلیت مفتخور مهر پایان خواهد کوبید!

## در حاشیه کنسرت اخیر شهرام ناظری



عبدل گلپریان

افکنانه علیه مردم دست می زند.

نکته دوم این است که این ترانه فولکلور قدیمی، سالها است که در میان مردم غرب کشور، بویژه مردم کرد زبان، حتی بدون موزیک در مجالس، مهمانی ها و محافل مختلف هم آنرا اجرا می کنند. این ترانه و اشعار آن از بدیهی ترین آهنگهایی است که تا کنون سروده شده و بسیاری از مردم بعضا و بطور روزمره آنرا زمزمه می کنند. بنابراین مانند هر شعر و آهنگ دیگری نه تنها منبع و منشا هیچگونه قوم گرایی نیست بلکه کسی هم حق محدود کردن آنرا ندارد. اما آنچه که موضوع را تا حدودی برای حاکمیت مسئله ساز کرده است مربوط به ایجاد موانع و مخالفت با بکارگیری و استفاده از اصطلاحات و واژه های زبان مادری و در این مورد مشخص زبان کردی است.

اشعار فولکلور بکار رفته در این ترانه، قبل از اینکه منشا حساسیت نابجا برای رژیم اسلامی و یا سنگ پرشی برای احزاب و نیروهای سیاسی ناسیونالیست کرد باشد، اشعاری عاشقانه است و سالها است که مردم همچون دیگر ترانه های محلی آنرا گوش می دهند و یا آنرا زمزمه می کنند. زبان و لهجه کرمانشاهی آمیخته ای از زبان فارسی و کردی است. شاعر در این بیت ابراز می کند که فارسی بلد نیست. به همان اندازه نیز می تواند بیان کننده عدم آشنایی کامل با زبان کردی هم باشد. چرا که زبان کرمانشاهی مخلوطی از هر دو زبان است. از این رو شاعر وزنه بیشتری به تسلط بر زبان کردی را در این شعر بیان می کند و خطاب به معشوق خود می گوید چون فارسی بلد نیستم به زبان کردی درد و بلات به جونم.

و اما برگردم به خود کنسرت و چند کلمه ای هم در مورد ناظری. شهرام ناظری همچون هر خواننده دیگری در ایران طرفدارانی دارد. بخشی از مردم با کارهایش، صدایش و نوای او خاطره ها دارند. مسئله ای که مهم است و باید نسبت

به آن دقت بیشتری کرد این است که او بطور اختیاری قبل از بیان شعر اصلی ابتدا دو کلمه را اضافه کرده است و می گوید: "منالی کوردم". یعنی "بچه کرد هستم". ( که اصطلاحا به مفهوم از تبار کرد هستم معنی می دهد ) بعد به سراغ ادای شعر اصلی می رود. این همان شور و حرارتی است که ناسیونالیسم کرد از بیان و شنیدن آن به وجد می آید. هم شاعر و هم خود شعر بی گناه هستند. شعر در وصف معشوق که اسمش گل بنفشه است ادا شد شده و تا به امروز کسی هم برای تحریک کردن احساسات ناسیونالیستی از آن استفاده نکرده است. اکنون هم بهتر است زیبایی این آهنگ فولکلور و خاطره انگیز بودن آن برای طرفداران و دوستدارانش محفوظ بماند. اگر قرار باشد تبعیض، ستم، نابرابری، ایجاد محدودیت در مورد زبان مادری و امثال اینها از جامعه رخت بربندند، باد زدن این شعر حتی با اضافه کردن "بچه کرد هستم"، و با رنگ و بوی قومی راهش نیست و نمی گیرد.

راه مقابله با ستم و نابرابری های اعمال شده توسط هر دو حکومت پهلوی و اسلامی و حتی حکومت های پیش از آنها و اعمال تبعیض و نابرابری علیه مردم در کردستان، برافراشتن خواست حقوق برابر و شهروندی برای کل مردم در سراسر کشور است. مردم منتسب به ملیتهای کرد، آذری، بلوچ، عرب، ترکمن و غیره در ایران، حق دارند و باید از امکان آموزش و بکارگیری زبان مادری و حقوق برابر شهروندی برخوردار باشند. این خواست بحق و مشروع مردم است. اما باید توجه داشت که بر بستر این تبعیض ها و نابرابری هایی که در طول سالیان علیه مردم اعمال شده است، تفرقه و دو دستگی در میان مردم منتسب به ملیت یا زبانهای مختلف در کشور دامن زده نشود. "شور بپا کردن" شهرام ناظری در اجرای این برنامه از این جنس است.

بی دلیل نیست که عبدالله مهتدی بعنوان نماینده و سخنگوی یکی از جریانات قوم پرست به وجد آمده است و از ناظری قهرمانی و حمایت می کند. مهتدی در پیامی به شهرام ناظری اعلام می کند که:

کاک شهرام ناظری دستت درد نکند، دمت گرم. بانک برآوردنت برای کرد و فرهنگش مایه دلخوشی همه دلسوزان است. بگذار آن صدای رسای کردی به گوش همه دنیا برسد. ما همه حامی تو هستیم و تنهایت نمی گذاریم."

همانطور که ملاحظه می کنید ناسیونالیسم و قوم پرستی می تواند با این گونه بیانات از نوع پیام مهتدی، بر بستر چنین اتفاقاتی در میان مردم تفرقه ایجاد کند و با داعیه دفاع از حق مردم منتسب به کرد، چه در شرایط کنونی و چه بعد از گم و گور شدن جمهوری اسلامی، به جامعه خون بپاشد. شهرام ناظری خود نیز بعنوان یک خواننده تاکنون در مقابل حتی یک مورد ناچیز از ستمی که حاکمیت طی این سالها علیه کل جامعه اعمال کرده است، چیزی بیان نکرده است. کسی هم از او چنین انتظاری ندارد. او سالهاست که در فضای سیاهی که حکومت علیه مردم فراهم کرده است در کنار اصلاح طلبان حکومتی مشغول کار هنری خود بوده است و بهتر است به همان کارهای تاکنونی اش سرگرم باشد اما بر بستر اجرای یک آهنگ و برجسته کردن یک بیت از شعر آن و اضافه کردن دو کلمه "منالی کوردم" به آن، مجاز به رواج دادن تفرقه در میان مردم نیست. شهرام ناظری با برجسته کردن این شعر در جهت منافع خود، می خواهد شرکت کردنش در اجلاس روحانی را پرده پوشی کند.

بهتر است جریانات ناسیونالیست و قوم پرست کرد هم دل خود را به این خوش نکنند که گویا با برجسته کردن این شعر با اجرای شهرام ناظری ممکن است تحرکی را شاهد باشند. شهرام ناظری در طول عمر حکومت جمهوری اسلامی در کنار اصلاح طلبان حکومتی قرار داشته است. به دعوت روحانی در اجلاس دست

اندر کاران هنری لبیک گفت و در این اجلاس شرکت داشت. اگر این جریانات دل به این خوش کرده اند، اما از نظر مردم آگاه و مدرن در کردستان، هم اجرای شهرام ناظری در ادای این شعر و هم واکنش دستگاههای حکومت نسبت به آن، هر دو تفرقه افکنانه است. تجربه یوگسلاوی بسیار آموزنده است. مردم منتسب به صرب، کروات و مسلمان سالها هم همچون خویشاوند و در اوج صمیمیت در کنار هم داشتند زندگی شان را میکردند. بروز چنین جرقه هایی از سوی عناصر به اصطلاح شناخته شده سبب دامن زدن به تفرقه و تقسیم قومی و ملی در میان آنان شد و زندگی شهروندان در آن جامعه را به تباهی کشانید.

مردم شهرهای کردستان راه پایان دادن به ستم، تبعیض و نابرابری بر مردم منتسب به ملیتهای مختلف را نه تنها برای مردم کردستان بلکه برای رهایی مردم سراسر کشور از شر نکبت اسلامی، در رشد و تقویت مبارزات متحدانه هر روزه علیه کلیت رژیم، علیه احکام اعدام، علیه سیه روزی و علیه زندگی زیر خط گرسنگی که این حکومت از ابتدا تا به امروز بر آنان حاکم کرده است می بینند و رسالت خود را در دفاع از منافع کارگران، حقوق زن، حقوق کودک و برای تحقق یک زندگی انسانی و بدون تبعیض تعریف می کنند. طبعاً رفع ستم و نابرابری علیه مردم منتسب به ملیتهای مختلف، برخورداری از حق بی چون و چرای آموزش و بکارگیری زبان مادری و دهها خواست و مطالبه بر حق دیگر مردم در ایران، از کانال مبارزه ای متحد و سراسری و علیه هر گونه تفرقه، توسط رژیم اسلامی و علیه سیاستهای تفرقه افکنانه، جریانات سیاسی قوم پرست و ناسیونالیست می گذرد. \*

۳ ژوئن ۲۰۱۴

**زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه ای انسانی!**

در بسیاری از شهرهای کردستان عراق به راه افتاده و بسیاری از آزادیخواهان و مدافعین حقوق زن خواهان دستگیری و محاکمه شوهر فراری دنیای کوچولو هستند که مرکش دل هر انسان شریفی را به درد می آورد. لازم به ذکر است که تا هم اکنون نیروهای امنیتی نتوانسته اند هیچ رد پایی از قاتل دنیا که همان شوهرش می باشد بدست بیاورند.



**احمد شیروان جوان ۱۵ ساله اربیلی به دلیل بی خدائی به پرداخت ۱۵۰ هزار دینار محکوم شد!**

احمد قرار بود روز اول جون توسط دادگاهی در اربیل محاکمه و به پرداخت ۱۵۰ هزار دینار محکوم شود. لازم به یاد آورست که دستگیری، شکنجه، دادگاهی کردن و هم اکنون محکومیت او اعتراضات زیادی را در پی داشته و کمپین وسیعی برای دفاع از احمد بر اه افتاده و حکومت اقلیم و دادگاه

بعد از اعتراضات مردم در شهرهای چون سلیمانیه و کرکوک اخیرا نماینده سازمان ملل در عراق هم قتل دنیای ۱۵ ساله را به شدت محکوم کرده و از حکومت اقلیم کردستان خواسته است که راههای موثرتری را برای دفاع از حقوق زنان انتخاب کند.

کذائیشان را به خاطر این اعمال کیفیشان محکوم کرده اند.

از طرف دیگر احمد این جوان ضد دین در تمام این مدت کوتاه نیامده و به افشاگری خود علیه دین و قوانین دینی ادامه داده، اما آخرین خبر این است که او برای بدر بردن جان خود از دست مذهبپو و احزاب عشیره ای در قدرت به ناچار عراق را ترک کرده و هم اکنون در ترکیه به سر میبرد.



**کارگر دیگری در شهر سلیمانیه و در حین کار جانش را از دست داد!**

بر اساس خبرهای رسیده،

کارگری ۳۵ ساله اهل جنوب عراق روز سوم ژوئن بدلیل نبود ایمنی محیط کار از پشت بام سقوط می کند و جانش را از دست می دهد.

دراقلیم کردستان این بهشت بورژوازی کرد روزانه تعدادی از کارگران بدلیل نا امنی محیط کار جانشان را از دست می دهند و یا زخمی می شوند، به شیوه ای که طبق آمارهای رسمی از اوائل امسال تا کنون حداقل ۱۹ نفر در حین کار جان خود را از دست داده و دهها نفر دیگر زخمی شده اند.

### روزنامه لفین از زندانهای مخفی حزب دمکرات خبر می دهد!

به گزارش روزنامه لفین، پاراستن ارگان امنیت حزب دمکرات کردستان عراق زندانهای

مخفی دارد و تا هم اکنون ۲۵ زندانی که توسط دستگاه مخفی امنیت حزب دمکرات کردستان عراق دستگیر شده اند از سر نوشت آنها خبری در دست نیست.

### مخارج یک سال رهبری پارلمان اقلیم کردستان به ۴۸ میلیارد دینار رسید!

بر اساس گزارشهای منتشر شده پارلمان اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۳ مبلغ ۴۸ میلیارد دینار مخارج داشته است. این مخارج هنگفت در حالست که چهار ماه آخر ۲۰۱۳ عملا پارلمان در حال نیمه تعطیل بوده، چرا که از انتخابات سپتامبر ۲۰۱۳ به این سو احزاب ناسیونالیست نتوانسته اند بر سر چگونگی تقسیم قدرت میان خود به توافق برسند.

### پایان اعتصاب کارگران سد بنیر مریوان

روز دوشنبه هشتم اردیبهشت ۹۳ ساعت ۸ صبح در حالی که منتظر فرزندش بود تا او را به مدرسه اش برساند توسط ۵ نفر لباس شخصی دستگیر و به اداره اطلاعات شهرستان بانه منتقل و بعد از دو روز بازداشت در بانه به شهر سنندج منتقل شد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری. ۸ خرداد ۱۳۹۳

### جان باختن یک کولبر بر اثر اصابت گلوله

۱۱ خرداد يك کولبر اهل شهرستان سلماس بر اثر تیراندازی نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران جان خود را از دست داد. توفیق یوسفی ۳۵ ساله در نقاط مرزی شهرستان ارومیه با ترکیه مشغول کولبری بوده که بر اثر اصابت گلوله جان خود را از دست داده است. وی از سوی نظامیان هدف شلیک مستقیم تیر قرار گرفته بود. توفیق یوسفی اهل روستای "دلزی" از توابع سلماس بوده که روز جمعه نهم خرداد ماه در منطقه ترگور ارومیه به دست نیروهای نظامی حکومت اسلامی جان خود را از دست داده است. جسد

بنا به گزارش رسیده به کمیته هماهنگی حدود 450 نفر از کارگران سد بنیر که از شش روز پیش نسبت به عدم پرداخت حقوق معوقه و عیدی و پاداش سال ۹۲ و همچنین حقوق معوقه دو ماه اول سال ۹۳ دست از کار کشیده بودند با وعده کارفرما مبنی بر پرداخت دو ماه حقوق معوقه سال ۹۲ و همچنین پرداخت مابقی طلب کارگران به ترتیب در روزهای آینده، به توافق رسیدند که از روز دوشنبه به سر کارشان باز گردند. لازم به ذکر است که کارگران اعلام داشتند، در صورتی که کارفرما به وعده خود عمل نکند مجددا دست از کار خواهند کشید. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۱۱ خرداد ۹۳

### عمر سلیمانی آزاد شد

بنابر خبر رسیده عمر سلیمانی فعال کارگری روز پنج شنبه بعد از ۳۲ روز بازداشت با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد. لازم به ذکر است که عمر سلیمانی در

را برای کارفرما آسان می کند، نقش بسیاری در کاهش امنیت شغلی زنان دارد. بنابراین برای از بین رفتن این گونه مشکلات قوانین پایه ای باید به سمتی برود که امکان اینگونه اتفاقات در محیط کار را به حداقل برساند.

### روش جدید باین آوردن دستمزد در شرکت سفر سازی ون کردستان

بنا به گزارش ارسالی کارفرمایان شرکت سفر سازی ون، در راستای بالا بردن راندمان کار خود و پایین آوردن دستمزد کارگران و بهره کشی بیشتر روش های جدیدی را به کار گرفته اند. کارفرمایان چندین کارگر را با قراردادهای موقت در قسمت بسته بندی این کارخانه به کار گرفته اند و دستمزد آنها را وابسته به تعداد بسته بندی هر کارتن پرداخت می کنند. هر کارگر در طول ۸ ساعت کار روزانه تنها می تواند ۳ کارتن بسته بندی کند که بابت هر کارتن تنها مبلغ ۴ هزار تومان و در مجموع ۱۲ هزار تومان مزد روزانه، دریافت می کند. لازم به ذکر است که در هر کارتن ۱۶۰ جعبه آدامس قرار می گیرد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۶ خرداد ۱۳۹۲

زنان با بیان انواع خشونت هایی که در محیط کار زنان را تهدید می کند از جمله تبعیضات جنسی و نسبت دادن هر نوع کوتاهی در کار به جنسیت فرد، راه حل رفع این مشکل را برطرف کردن نقص های حقوق شهروندی و قوانین کار عنوان کرد. مریم محمدی فعال حقوق زنان کارگر در گفتگو با خبرنگار ایلنا در رابطه با خشونت هایی که در محیط کار زنان را تهدید می کند، گفت: خشونت های کلامی، خشونت های جنسی، تحقیر و توهین، نسبت دادن هر نوع کوتاهی در کار به جنسیت فرد و تبعیضات جنسی از جمله خشونت های جاری در محیط کار است. دختران جوانی که با سن و تجربه کم وارد محیط کار می شوند مستعدترین افراد برای خشونت پذیری در محیط کار هستند. در واقع هر چقدر مهارت فرد در کار بیشتر باشد احتمال در معرض خشونت قرار گرفتن وی نیز کمتر است. خشونت های جنسی یکی از شایع ترین مشکلات محیط کار برای زنان است که معمولا زنان در مقابل آن مجبور به ترك شغل خود می شوند. قوانین محکمی برای حفاظت از زنان در محیط کار وجود ندارد و اثبات ارتکاب خشونت با قانون فعلی نیز بسیار دشوار است. قراردادهای موقت که اخراج کارگران

او روز شنبه دهم خرداد ماه به خانواده اش تحویل داده شده و در روستای زادگاهش به خاک سپرده شده است.

### در شهرستان بانه با شلیک تیر، احمد میراواپی را کشتند

احمد میراواپی نیمه شب هفتم خردادماه، در حالی که از شهرستان بانه عازم روستای خود "میرآباد" بوده از سوی نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران مورد شلیک قرار گرفت. احمد میراواپی با "شلیک مستقیم" ناجا جان خود را از دست داده است. نیروهای انتظامی تنها به ظن حمل کالای قاچاق به سوی ماشین احمد میراواپی تیراندازی کرده اند، اما خودروی وی هیچگونه باری را حمل نکرده بود.

### انواع خشونت هایی که زنان را در محیط کار تهدید می کند

دختران جوانی که با سن و تجربه کم وارد محیط کار می شوند مستعدترین افراد برای خشونت پذیری در محیط کار هستند. / قوانین محکمی برای حفاظت از زنان در محیط کار وجود ندارد و اثبات ارتکاب خشونت با قانون فعلی نیز بسیار دشوار است. / قراردادهای موقت، نقش بسیاری در کاهش امنیت شغلی زنان دارد. يك فعال

## نگاه هفته

## آزادی دو زندانی سیاسی

هادی و امید تام اهل شهر مریوان که روز جمعه چهارم آبان ماه سال ۹۲ در شهر بانه بازداشت شده بودند، روز یکشنبه یازدهم خردادماه از زندان شهر سقز آزاد گردیدند. هادی و امید تام سوم اسفندماه سال ۹۲ پس از سه ماه بازداشت به زندان شهر سقز منتقل و هفته گذشته در شعبه یکم دادگاه انقلاب شهر سقز محاکمه و بنا به دستور قاضی با تودیع وثیقه بطور موقت آزاد شدند.

## دستگیری

جمعه، نهم خرداد نیروهای وزارت اطلاعات در شهر مهاباد دو جوان به نامهای آرام محمدخان فرزند ۲۴ ساله محمدخان و سیدعلی پورمصطفی اقدم ۲۵ ساله فرزند سید رحمان را در بازار عرضه البسه خارجی "تاناکورا" بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال یافتند.

## خودکشی یک دختر جوان در سقز

"شبنم رهایی" ۲۰ ساله در شهر سقز دست به خودکشی زد و متأسفانه جان خود را از دست داد. نامبرده شامگاه چهارشنبه در غیاب والدین خود در منزل پدری اش واقع در خیابان "بلوار" سقز، اقدام به خودکشی کرد. گفتنی است روز پنجشنبه مراسم خاکسپاری پیکر وی در روستای "آیچی" در مسیر بانه - سقز در میان غم و اندوه خانواده و بستگان انجام گرفت.

## خودکشی هلاله محمدی در سردشت

نهم خرداد ماه در روستای بناویله از توابع سردشت زنی ۲۲ ساله به نام هلاله محمدی خود را حلق آویز کرد. هلاله محمدی متاهل بوده است.

## باغ وحش ارومیه به لحاظ شرایط نگهداری حیوانات در وضعیت اسفناکی پس می‌برد و تنها نام یک باغ وحش را یدک می‌کشد.

گرسنگی، بوی تعفن، عدم نظافت و نبود مکان نگهداری استاندارد از عوامل متعددی

می‌باشد که فاجعه زیست‌محیطی را برای هر بازدید کننده‌ای تداعی می‌نماید. یکی از بازدید کنندگان باغ وحش ارومیه از گرسنگی حیوانات از روی رنگ فضولات آنها خبر داد و به ایرنا گفت: پرندگان بسیار لاغر شده‌اند و اگر قفس آنها را هم نگاه کنیم می‌بینیم که نه به آنها رسیدگی می‌شود و نه چیزی با مفهوم بهداشت اینجاست رعایت می‌شود. بوی بد قفسه‌ها نشان از عدم نظافت به موقع محل نگهداری حیوانات می‌باشد و عملاً ظرف غذا و آب آنها هموار خالی است و حتی حیوانات بیچاره را زیر آفتاب داغ گرسنه و تشنه رها کرده‌اند. به گفته فعالان حقوق حیوانات اگر این اتفاق در کشوری دیگر رخ می‌داد در زمره قاچاق حیات وحش دسته بندی می‌شد و برخوردهای قانونی بسیار جدی با متخلفان انجام می‌شد. وضعیت باغ وحش در حالی نگرانی مردم در ارومیه را برانگیخته که فقط سه نفر در این مجموعه چندین هکتاری فعالیت دارند، خانمی که وروده می‌گیرد، مردی که نظافت و آبیاری می‌کند و مدیری که مدیریت می‌کند. همچنین باغ وحش ارومیه تاکنون بارها از سوی حفاظت محیط زیست استان، اختطاریه رعایت بهداشت و ایمنی دریافت کرده و هر بار با وساطت یکی از مقامات ارومیه مانع از پلمپ مجموعه شده‌اند. سال گذشته نیز یک گوزن قرمز پس از فرار از باغ وحش "درنا" شهر ارومیه توسط فرد یا افراد ناشناسی کشته شد که حاکی از بی‌انضباطی در این مجموعه است. گفته می‌شود بیش از ۷۰۰ باغ وحش و مرکز نگهداری غیراستاندارد حیوانات در ایران وجود دارد. از دیگر سو، سیرک حیوانی در سنندج نیز نگرانی و اعتراض فعالان حقوق حیوانات را در پی داشت. این سیرک که از ۲۷ اردیبهشت تا ۱۳ خرداد از اداره حفاظت از محیط زیست استان کردستان مجوز فعالیت گرفته، ۴۰ نوع حیوان کمیاب و وحشی را اسیر خود کرده و برخی از این جانوران برای نمایش استفاده می‌شوند. این حرکت در سنندج آنچنان که مدیر سیرک می‌گوید با عدم استقبال مردم

روبرو گردیده و علی‌رغم هزینه چهار میلیون تومانی اما هر شب ۴۰۰ تا ۵۰۰ بلیط به فروش می‌رسد. اواسط ماه گذشته باغ وحشی خصوصی در بابلسر به دلیل هر آنچه "زجر و شکنجه فراوان حیوانات مختلف" خوانده شده بود، به تعطیلی کشیده شد. (بخشهایی از گزارش سایت کردپا)

طبق گزارشات روز دوشنبه ۱۲ خرداد ۹۳ طوفان شدیدی که به تهران آمد موجب کشته و زخمی شدن تعدادی از شهروندان تهرانی، نگرانی مردم و خسارات مالی زیادی شده است. ستاره سمنانی خبرنگار سازمان جوانان کمونیست در تهران، مشاهدات خود را با ما در میان می‌گذارد: ساعت حدود ۵ عصر بود و من در خیابون تخت طاووس بودم که باد شروع به وزیدن کرد و بصورت وحشتناکی همه جا بمدت حدود یک ربع تاریک شد، همه وحشت زده شدند و منم همینطور. من سریع وارد یک مغازه شدم و به بیرون نگاه میکردم. طوفان شدیدتر و شدیدتر میشد. همه صحبت از این می‌کردند که چه اتفاقی دارد میفتد. صدای شکستن درختها می‌آمد و همچنین صدای مهیب افتادن درختها روی ماشین‌ها. یک پژو ۴۰۵ رو دیدم که روی آن درختی افتاد که صدای افتادن درخت طوری بود که انگار ماشین ترکید. دیدن وسائلی که باد در هوا با خود جابجا میکرد و به دیوار و ماشینها برخورد می‌کرد هم وحشتناک بود. در میان این وسائیل، دیش ماهواره بیشتر به چشم می‌خورد. حتی پرده منزل هم دیده می‌شد. برق مناطق مختلفی از تهران قطع شد. طبق اطلاعاتی که من کسب کردم، چند نفر کشته و زخمی شدند که یکی از کشته‌ها در نارمک و یکی در جنت آباد بوده است. الان ترافیک چند برابر روزهای عادی است. مردم از برگشت طوفان نگران و از خسارات جانی و مالی وارده ناراحتند. و اما عکس العمل صدا و سیمای جمهوری اسلامی، که طبق معمول جزء عکس العمل‌های نادر در بین رسانه‌های دنیاست، عدم مسئولیت پذیری و متوسل شدن به خرافات، پنهان کاری در رابطه با علل بروز واقعت و دست کم گرفتن مردم بود. در حال حاضر در این رسانه رسمی دولتی به

جای اطلاع رسانی به مردم و بررسی علل زیست محیطی این حادثه ناگوار، و به جای راهنمایی مردم و آموزش حالت آماده باش، تبلیغ نماز آیات می‌شود. "نماز آیات بخوانید تا از شر حوادث دور بمانید، برای این طوفان نماز آیات واجب است"، این، همه تمهیدات جمهوری اسلامی برای اداره جامعه در چنین وضعیتی است.

## گزارش: گرچه مسئولان مرکز

میین‌یابی و وزارت دفاع تاکید می‌کنند که استان کردستان از وجود مین پاک شده است، اما بیست و ششم مهر پارسال بود که هفت کودک در مریوان بر اثر انفجار مین بشدت آسیب دیدند. حالا هشت ماه از آن روز می‌گذرد اما قربانیان می‌گویند وضعیت مناسبی ندارند. گشین کریمی که حالا در کلاس چهارم ابتدایی درس می‌خواند و در این حادثه یک پایش را از دست داده در گفت و گو با فرهیختگان گفت: چند نفر از بستگان مان به خانه مان آمده بودند. من و شش نفر از دوستان هم سن و سالم در روستا مشغول بازی بودیم. می‌خواستیم توپ را شوت کنم اما پایم به یک جسم سخت برخورد کرد و مین منفجر شد. بعد از آن چیزی نفهمیدم اما وقتی در بیمارستان به هوش آمدم متوجه شدم پای راستم از میج قطع شده است. این مساله هنوز برای خودم و خانواده‌ام باورکردنی نیست. وی ادامه داد: در این ماجرا پسرعموی ۱۲ ساله‌ام خبات هم از ناحیه چشم آسیب دید و هنوز یک ترکش در کمرش باقی مانده است. او باید چند بار عمل جراحی شود. دوستم آلا روینا که شش ساله است ممکن است کور شود و دکترها گفته‌اند تا یک سال آینده باید جراحی شود. مسبین هم که حالا با خانواده‌اش به مریوان رفته از ناحیه پا به شدت آسیب دیده و به بیماری اعصاب و روان مبتلا شده است. مادر مسبین می‌گوید: او از تنهایی و بازی در زمین‌های بایر به شدت هراس دارد و داروهای آرام بخش مصرف می‌کند. گشین کریمی درباره وضعیت خودش می‌گوید: پس از آن ماجرا پزشکان در مرکز ارتوپدی هلال‌احمر سنندج برای پایم پروتز گذاشتند، اما نیاز به فیزیوتراپی دارم و چون در روستا

زندگی می‌کنم امکان فیزیوتراپی برایم وجود ندارد. در همین رابطه پروین ذبیحی، فعال مدنی می‌گوید: به رغم قطع شدن پای راست گشین از ناحیه قوزک، پزشکی قانونی برای وی چهار درصد معلولیت در نظر گرفته است که به استناد این گزارش بنیاد جانبازان برای این دختر پرونده‌ای تشکیل نمی‌دهد. خانواده گشین به گزارش پزشکی قانونی اعتراض کرده‌اند و پرونده وی در دادگستری مریوان تحت بررسی دوباره قرار گرفته است. باتوجه به شرایط گشین سعی داریم او تحت پوشش بنیاد جانبازان قرار بگیرد تا آینده‌اش تا حدی تامین شود. عثمان مزین، وکیل دادگستری و مدافع حقوق قربانیان مین نیز به فرهیختگان می‌گوید: براساس ماده ۲ قانون استانداری، شناسایی کسانی که با مین و مهمات روبرو و در این مواجهه زخمی شده‌اند، وظیفه استانداری هاست. استانداری‌ها موظف هستند به وضعیت قربانیان رسیدگی کنند، اما در دوره مجلس قبل این قانون از استانداری به فرمانداری‌ها تغییر کرده است. اما چون تعداد قربانیان در سال‌های اخیر معدود است تاکنون هیچ گزارشی مبنی بر تشکیل پرونده برای قربانیان این حوادث در استانداری‌ها ارائه نشده و وضعیت قربانیان ب صورت معلق باقی مانده است. استانداری‌ها سعی می‌کنند تا حد امکان از تشکیل پرونده درباره انفجار مین خودداری کنند. بنیاد شهید، متولی تشکیل پرونده در این رابطه است اما در این زمینه تلاش نمی‌کند و به هر دلیلی پیگیری پرونده قربانیان این حوادث به نوعی امنیتی محسوب می‌شود. او معتقد است: بیشتر مناطق آلوده به مین مناطق غربی و مرزی کشور هستند. به گفته مزین، وزارت دفاع مکلف به جمع‌آوری این مین‌هاست اما آمارها نشان می‌دهد هنوز ۱۶ میلیون مین در کشور باقی مانده که این مساله تهدیدی جدی حداقل برای ۱۶ میلیون ایرانی است که در مناطق غرب کشور در رفت و آمد هستند. مزین پیوستن ایران به کنوانسیون اتاوا را چاره این مساله می‌داند و می‌گوید: چنانچه ایران به این کنوانسیون پیبوند مکلف به جمع‌آوری و خنثی سازی مین‌ها و

## مصاحبه پیشرو علی پور با احمد شیروان معروف به ( نامه د )

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، مصاحبه پیشرو علی پور از کانال جدید، بخش کردی ایسکرا تی فی با احمد شیروان معروف به ( نامه د )، جوان پانزده ساله ای که در کردستان عراق و شهر اربیل، بخاطر نقد تیز و کوبنده اش به مذهب و دین اسلام، بازداشت وادیت و آزار شده بود و قرار است به زودی محاکمه شود.

در تلویزیونها، روزنامه ها، فضای اینترنتی و کلا رسانه ها، مشکل شما به موضوعی تبدیل شده که از داخل کردستان عراق نیز نهادهای انسان دوست، آزادیخواه، برابری طلب و نیروهای چپ و سوسیالیست برای دفاع به این کمپین پیوسته اند تا از احمد شیروان دفاع کنند، حمایت خودشان را ابراز کنند و در مقابل این جریانات ناسیونالیست قوم پرست و ارتجاعی ایستادگی کنند.

**پیشرو علی پور:** مهمان برنامه امروز ما احمد شیروان ( نامه د ) است که سوالاتی را با ایشان در میان میگذارم. با درود فراوان احمد شیروان، به برنامه ایسکرا خوش آمدی و ممنون از اینکه دعوت ما را پذیرفتی.

**احمد شیروان (نامه د):** خیلی ممنون و سلام بر شما و بینندگان عزیز تلویزیون ایسکرا

**پیشرو علی پور:** احمد شیروان، در ابتدا دوست داشتم خودت را بیشتر معرفی کنی، که در کجا زندگی میکنی و همانطور که در آغاز اشاره کردم گویا از طرف احزاب کردی در کردستان عراق مورد فشار وادیت و آزار قرار گرفته و بازداشت شده بودی و قرار است در چند روز آینده تورا در دادگاه محاکمه کنند. برای ما و بینندگان تلویزیون ایسکرا بگوئید که در کجا زندگی می کنید و این مشکلات و گرفتاری هایی که برایت بوجود آمد از کجا و چگونه شروع شد؟

**احمد شیروان:** بله- من احمد شیروان پانزده سال سن دارم و در اربیل کردستان عراق زندگی میکنم. متولد ۱۶/۱۰/۱۹۹۸

هستم .

در تاریخ ۲۳/۱۰/۲۰۱۳ پدر م در مخالفت با افکارم، به پلیس اربیل شعبه عداله شکایت کرده بود. آن روز ساعت یازده برابر با ۲۳/۱۰/۲۰۱۳ توسط مقامات امنیتی اربیل بازداشت شدم و همان شب مرا به پلیس شعبه عداله انتقال داده و از ساعت دوازده شب تا ساعت دو بامداد برای اقرار کردن، مورد شکنجه وادیت و آزار قرار گرفتم. به هروسيله ممکن اینکار را انجام میدادند، با شلنگ و باتوم مرا مورد ضرب و شتم و فحاشی و اهانت قرار داده بودند، سپس از ساعت دویه بعد مرا پیش حاکم برده و سپس در اربیل مرابه زندان نوجوانان انتقال دادند.

پلیس شعبه عداله که در ساعت دو ونیم مرا تحویل زندان دادند و از ساعت دو ونیم تا پنج صبح بطور وحشیانه و خیلی بدتر از قبل مرا کتک زده و با باتوم به بدنم میزدند و میگفتند خون تو حلال است و هر کسی تورا بکشد جایش در بهشت است و مورد هتاکمی و بی حرمتی قرار گرفتم بطوریکه تمام سروصورت و بدنم خونین و کبود شده بود. من را داخل زندان انفرادی انداختند سپس مرابه پیش قاضی در دادگاه قضائی برده و بعد از بازپرسی مجددا مرا به زندان برگرداندند و در دو مین روز یعنی ۲۵/۱۰/۲۰۱۳ از طرف زندانیان داخل بند در ساعت یازده شب به من حمله ور شدند و مورد شکنجه قرار گرفتم که همزمان از طرف دوربینهای داخل زندان، ماموران زندان بلافاصله خودشان را رسانده و از دست زندانیان که بطرز وحشتناکی آماج حمله قرار گرفته بودم آزاد کردند.

در دادگاه قضائی بخاطر شکایت پدرم که من کفر گفته ام و همزمان نیز به من حمله ور شده بود و به این خاطر از شکایت کرده بودم، ولی در دادگاه مرا به ماده ۴۴۰ قانون قضائی متهم و از طرف افسر پرونده در دادگاه اربیل مرا متهم به استفاده از مواد مخدر متهم کردند. بعدا به مدت سیزده روز، یعنی در تاریخ ۰۴/۱۱/۲۰۱۳ با قید قرار وثیقه آزاد شدم، الان تقریبا شش ماه است که آزاد شده ام، یعنی من پانزده سال

دارم، اگر با کفالت آزاد نمی شدم، بخاطر اینکه از دین اسلام انتقاد کرده ام و آن را نقد کرده بودم و در مورد دین اسلام سوال کرده بودم، تا حالا میبایست در زندان حضور می داشتم. الان نیز مدت شش ماه است که آزاد شده ام.

در تاریخ ۰۴/۱۱/۲۰۱۳ هنگامی که به خانه و مدرسه برگشتم از طرف فامیل و اقوام با من به شیوه دیگری رفتار بر خورد میکردند. مرا آزار میدادند و به من فحاشی میکردند، حتی به من حمله میکردند.

در این یکی دوهفته از طرف پلیس امنیت اربیل احضاریه ای برای من (احمد شیروان) آمده که باید در تاریخ ۰۱/۰۶/۲۰۱۴ که به روز جهانی کودک معروف است، ساعت نه صبح در دادگاه حضور داشته باشم و تعداد زیادی از انسانهای کمونیست و آزادیخواه از جمله شمال علی و چندین تن دیگر از من حمایت کردند.

جا دارد از آقای چومانی که اولین نفری بود که کیس من را در روزنامه آینه علنی کرد تشکر کنم. بعدا خیلی از کانالها و رسانه های دیگر نیز مثل "ان آر تی" و روزنامه دستور و غیره موضوع را رسانه ای کردند. در حال حاضر هم خوب انعکاس پیدا کرده در سطوح مختلف و مدیای اجتماعی کمپین دفاع از من همچنان ادامه دارد و بیشتر و گسترده تر می شود. از طرف دیگر در رسانه و مدیای داخلی و حتی خارجی نیز دنبال میشود و تا روز جهانی کودک و دادگاهی کردن من در آنروز ابعاد گسترده تری به خود خواهد گرفت.

**پیشرو علی پور:** احمد شیروان، در چنین وضعیت بحرانی و باتوجه به این بحثی که کردیم، در بین مرجع و نهادهای انسان دوست و آزادیخواه، تا چه حد این کمپین و کیس شما دنبال شده و انعکاس داشته و یا بصورت گسترده در خبرها بازتاب پیدا کرده است؟ مثلا مثل کمپین ویا کمپین های مختلفی شروع به حمایت و جمع آوری امضاء کرده باشند و چه سازمان و جریاناتی آمدند و پشت این کمپین و در دفاع از

از صفحه ۶

### نگاه هفته

مهر پارسال را همچنان ناسامان می داند و می گوید: این هفت کودک در حال بازی در روستای نشکاش مریوان بودند که يك مین منفجر شد و چهار نفر از آنان به شدت آسیب دیدند.

ابزارهای دفاعی است. هر چند بسیاری از مناطق پاکسازی شده اند، اما عید نوروز شاهد انفجار چندین مین در مناطق کویری استان یزد بودیم. وی وضعیت هفت کودک زخمی شده بر اثر انفجار مین در بیست و ششم

که رئیس پلیس اربیل میگوید به هیچ عنوان احمد شیروان از سوی ماموران مورد شکنجه قرار نگرفته است.

به همین علت من برای معاینه به پزشکی بخش داخلی رفته و اینکه در زندان مرابه شدت مورد شکنجه قرار داده بودند و دکتر من نیز با انجام این معاینات گزارشی تهیه کرده که در آن به شکنجه نمودن من و نحوه شکنجه ها و آثار ضرب و شتم توسط ماموران زندان و پلیس بکلی توضیح داده شده است و کلیه اتهامات وارده بر من را رد کرده و وقتی که در تاریخ ۲۵/۱۰/۲۰۱۳ با حکم قاضی آزاد شدم و مرابه پزشکی قانونی انتقال دادند و یک سری آزمایشات خون و ادرار و غیره را از من گرفتند، ثابت شد که کلیه این اتهامات وارده به پرونده ام، کلا دروغ پراکنی و شایعه ای بیش نبوده است.

همچنین وکیل من یونس که اشاره کرد از سوی مقامات قضائی امنیتی و مراجع دینی در این مملکت به ما گفته اند و از ما می خواهند به هیچ عنوان حق ندارید در مورد دین و اسلام و مذهب سوال کنید، بهتر است به جای پرسیدن در این موارد، بروید دنبال عیاشی و اعتیاد و حق ندارید دین اسلام را زیر سوال ببرید. این همان آزادی بیان و دموکراسی هست که آنها مدعی اش هستند.

**پیشرو علی پور:** تو بعنوان يك جوان پانزده ساله و از قرار معلوم به دین اسلام اعتقادی نداری، دوست داری آزاد باشی و هرطور که می خواهی فکر کنی و کلا آزادانه و بدون دخالت دین و مذهب در امورات شخصی خودت زندگی کنی و البته

آزادی خواهی و برابری طلبی و دفاع از شخص خودت ایستاده اند؟

**احمد شیروان:** متاسفم که این را میگویم و همچنین در مصاحبه ای که وکیل با رادیو پیشنگ رفیق لاوژه جواد از حزب کمونیست کارگری عراق، گفته بود برای موکلم احمد شیروان باید يك کمپین بزرگ و گسترده ای راه می افتاد و بیشتر در مدیا و رسانه های مختلف بازگو و انعکاس پیدا میکرد اما متاسفانه تا الان آنطور که میبایست انعکاس زیادی پیدا نکرده است که يك نوجوان پانزده ساله در زندان مورد شکنجه و انواع توهین و بی حرمتی ها قرار گرفته و دادگاهی شده باشد و حتی مورد اتهام قرار گرفته باشد که مواد مخدر استفاده کرده باشد و حتی رئیس پلیس شهر اربیل هم طی گزارشی به یکی از روزنامه های خودشان که زیر نظر حزب دمکرات کردستان عراق کار میکند نیز انگشت اتهام را وارد کرده بودند. حتی از چند رسانه دیگر نیز که مستقل کار میکنند، درخواست کرده بودیم که بیایند و با ما مصاحبه انجام بدهند تا واقعیت را برای مردم روشن کنیم که متاسفانه آمده نشد. همچنین در مصاحبه ام با صدای آمریکا نیز به این اشاره کردم که رئیس پلیس شهر اربیل اتهام دروغین بر من وارد کرده و گفته که احمد شیروان این مساله را برای خودش صرفا برای خارج شدن از عراق و رفتن به کشور دیگری جهت اخذ پناهندگی بکار برده است ولی من در روز دادگاه در تاریخ ۰۱/۰۶/۲۰۱۴ به همه ثابت خواهم کرد که گفته های افسر پرونده به هیچ عنوان صحت ندارد و اتهام استفاده از مواد مخدر کاملا اتهام و دروغ محض میباشد و تنها مرا به خاطر بی دینی و روی برگرداندن از دین اسلام دستگیر، زندانی و شکنجه و محکوم کرده اند و این در حالی است

از صفحه ۷

## مصاحبه پیشرو علی پور

همین مسئله افکار بحث برانگیزند که در آن جامعه یک جوان پانزده ساله احساس نابرابری میکند و خواهان یک دنیای بهتر و زندگی بهتری میباشد و بنظر من نیز همین مساله باعث شد تا جریانات اسلامی و ارتجاعی و یخش دیگری از مردم در مناطق اربیل به این موضوع و احمد شیروان حساسیت نشان دهند. اما بنظر من چرا باید به دین، مذهب و اسلام انتقاد گرفت و نقد کرد؟ همانطور که خود اشاره کردی که نمی خواهی هیچوقت از افکار آزادیخواهان ات و کوییدن اسلام دست برداری، بنظر من چرا باید اینگونه فکر کرد؟ علتش چیست و چرا مردم باید رودر در مقابل این جریانات اسلامی و کلا دین و مذهب گارد بگیرند و آنان را مورد سوال و نقد قرار دهند؟ این جریان نشات گرفته از چیست که خودت مثل یک جوان پانزده ساله به این نتیجه برسی که نقد کنی و اینگونه دین و اسلام را زیر سوال ببری. آیا خودت برای انجام این مساله تلاش کرده اید؟

## احمد شیروان: بنظر من آزادی

نظر و اندیشه باید بی قید و شرط در هر جامعه ای آزاد باشد چنانکه در آئین نامه و کنوانسیون حقوق بشر ذکر شده، انسان باید در انتخاب خود نسبت به طرز تفکر و هر عقیده ای که دارد چه دینی یا غیر دینی، سیاست و غیره کاملاً آزاد باشد. اما متأسفانه در این مملکت بیشترین حکم و قدرت و اختیار و تصمیم گیری برای انسانها در دستستان اسلامی ها میباشد و برای همین چنین وضعی پیش آمده است تا یک نوجوان پانزده ساله را بخاطر عقاید ضد اسلامی زیر سوال ببرند. دین و آئین اسلامی به این شیوه مردم را مورد آزار و شکنجه و دادگاهی قرار می دهند و این جواب آنان برای من است که زیر سوال بردن دین و مذهب باعث می شود آنان اتهامات واهی از قبیل بکار بردن و استفاده از مواد مخدر بزنند، یعنی اینکه تو بجای سوال و نقد کردن به اسلام بهتر است بروید و خودت را با اعتیاد مشغول کنی.

در اینجا می خواهم به نکته دیگری نیز اشاره کنم. در این یک دو روز هم از طرف یک مسئول تهدید شده ام که در تاریخ ۲۰۱۴/۰۶/۰۱ نباید به هیچ عنوان در دادگاه حضور داشته باشم و لازم نیست اسم شخص یا آن طرف مورد نظر را بگویم و اینکه عضوه حزب یا جریانی بوده و همه ترس آنه ابرمی گردد به رسوائی و اینکه دستشان را رو به رسانه ها و

در دادگاه باز کنم و بیشتر افشا شوند.

**پیشرو علی پور:** فراخوان یا پیغام شما رو به انسانهای آزادیخواه، انسانهای رادیکال و حق طلب برای پشتیبانی از احمد شیروان نوجوان پانزده ساله ای که به اتهام انتقاد از اسلام به این زودی قرار است که دادگاهی و مورد آزار و اذیت و شکنجه قرارگیری چیست؟ میخوام برای ما و بینندگان این برنامه بگوید که محل دادگاهی شما قرار است در کجا صورت بگیرد و فراخوانت برای مردم در اربیل، سلیمانیه و کردستان و کلا در خارج از عراق چیست؟ در این مورد پیامت را همراه با آدرس و محل دادگاهی کردن را برای روزنامه نگاران، فعالین حقوق بشری و احزاب مترقی و در پایان اگر پیغامی دارید رو به بینندگان برنامه ایسکرا توضیح دهید؟

**احمد شیروان:** پیغام من رو به همه مردم آزادیخواه و برابری طلب و فعالین حقوق بشر و کودکان این است که به هیچ عنوان نسبت به این احکام قضائی و نقض حقوق بشر ساکت نباشند. چنین اتهام و پرونده سازی ایی که برای امثال من درست میکنند و جلوی هر گونه آزادی و حق انتخاب جوانان و مردم را می گیرند و نه تنها فقط برای من، بلکه برای همه، در کل نباید ساکت ماند. قرار است روز دادگاهی کردن که به استفاده از مواد مخدر متهم شده ام، طبق ماده ۱۴ قانون دادگاهی عراق در تاریخ ۲۰۱۴، ۶، ۱۰ در شهر اربیل دادگاهی خواهم شد.

**پیشرو علی پور:** احمد شیروان چند دقیقه فرصت داری اگر فکرمی کنی نکته دیگری مانده که اشاره نکرده ای و مسئله دیگری هست که مردم باید از آن مطلع شوند، لطفاً برای عموم مردم بیان کنی؟

**احمد شیروان:** در روز دادگاهی من، افراد زیادی از طرف حزب و جریانات مختلف حضور خواهند داشت، بخاطر اینکه روز دادگاه از طرف کسانی که این اتهامات و تهدیدات را روبروی من کرده اند،

مورد اذیت و آزار قرار نگیرم، چونکه آنها تمام سعی و تلاش شان بر این است که تمامی این اتهامات را بر من وارد و مرا محکوم نمایند.

**پیشرو علی پور:** احمد شیروان باتشکر از شما که دعوت ما را پذیرفتی برای حضور در این برنامه و مطمئناً تمام تلاش فعالین حقوق بشری و مبارزین راه آزادی و برابری طلبی بر این است که هر چه زودتر به این مشکل پایان داده شود و در دفاع از خودت و حرکت اعتراضی اصولی ات شما را حمایت خواهیم کرد و در همه جا صدای آزادیخواهی و انسانیت همیشه با برجا و آنرا ننگه خواهیم داشت. آزادیخواهان و در راس آن چپ ها و کمونیستها علیه جریانات اسلامی و ارتجاعی مبارزه و اعتراض خواهند کرد و این موضوع و کیس شما هم در سطوح مختلفی انعکاس پیدا کرده و طبعاً هیچ یک از این نوع جریانات اسلامی و ارتجاعی عقب مانده نمیتوانند جلوی آزادیخواهی و مبارزه برحق و صدای انسانیت را بگیرند. کسانی که ضدیت خود را به دین و مذهب اعلام داشته و علیه آن مبارزه یا کلیت مذاهب اسلامی و دینی را زیر سوال میبرند، یا مدافع هرگونه آزادیخواهی و علیه زن ستیزی و قتل زنان و کودکان هستند و علیه قوم پرستی و عشیره گری می باشند و اعتقادی به دین و مذهب ندارند، بلکه به یک دنیای بهتر و یک زندگی بهتر و شایسته تر برای انسانها معتقد هستند و خواهان دست آوردن یک جامعه ای آزاد و برابر که در آن کلیه انسانها بصورت آزاد و برابر میباشند و هرطور که دوست دارند و باور دارند انتخاب و زندگی

میکند. مطمئناً همگی ما در دفاع از آزادیخواهی حمایت خود را اعلام می کنیم و پشت این کمپین خواهیم ایستاد تا به کلیه این مشکلاتی که برایتان پیش آمده پایان دهیم. من در اینجا از کلیه انسانهای شریف و مبارز و آزاده و کلیه احزاب، سازمان و نهادهای مردمی و انسان دوست که برنامه ما را میبینند میخوام که از احمد شیروان معروف به (نامه د) ساکن شهر اربیل در کردستان عراق دفاع کنند و به هر طریق ممکن اعتراض خود را به مسئولین و کاریه دستان حکومت اقلیم کردستان ابراز نمایند که یک نوجوان پانزده ساله ای که با این سن و سالش تماماً در مقابل کلیه این عقب ماندگی ها و زیر سوال بردن اسلام و دین اسلام ایستاده و کلیت این ارتجاع و عشیره گری و نقض حقوق انسانی در دین اسلام را بصورت کاملاً خوب و درگاهی کامل نقد کرده اعلام و حمایت نمایند.

بینندگان عزیز برنامه ای که مشاهده کردید مصاحبه با احمد شیروان بود که در اربیل به اتهام روی گرداندن از اسلام و نقد آن دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفته و قرار است به زودی در دادگاه در شهر اربیل محاکمه شود. از همه شما عزیزان میخوام به هر شکل ممکن از او دفاع کنید، از انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، از (احمد شیروان ها) که علیه هرگونه سنتهای قبیله ای و عشیره گری و اسلامی ایستاده و آنرا مورد نقد و زیر سوال می برند، حمایت کنید.

پساده کردن متن مصاحبه تلویزیونی بخش کردی ایسکرا در کانال جدید: هزار علی پور

## صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!